



## The Representation of the Early History of Islam in the Works of Sheikh Mohammad al-Ghazali

Abbas Basiri<sup>1</sup>

PhD student in Islamic History, University of Tehran

Rasoul Jafarian

Professor, Department of History, University of Tehran

Received: December, 2, 2018; Accepted: December, 5, 2020

(pp. 25-46)

### Abstract

Many Muslim scholars have used the Early history of Islam as an ideal example to explain their current situation and give a vision of the future and a prospect to solve the problems. Especially regarding the new social, political and economic circumstances in the last century and with the emergence of modernity, Egyptian scholars tried to provide a new representation of the early history of Islam in order to conduct society toward integrity in an Islamic manner. In this research, we try to study and put in context the works of Sheikh Mohammad al-Ghazali, one of the Egyptian contemporary Islamists, in order to scrutinize his representation of the early history of Islam. Ghazali with a Salafi attitude, introduces the early history of Islam to the Muslims' Egyptian society and other nations, as the basis of returning to the golden ages of past. Besides the history of Islam he uses the Quran and Seerah to explain the past. The time and circumstances which Ghazali lived in made him confront capitalism, communism, and socialism and investigate social justice, political and cultural colonialism, the potential for establishing an Islamic government, women's issue, the Quran and its concepts, the issue of Palestine, and Judaism in order to find a solution for the decline of the Egyptian society.

**Keywords:** Early Islamic History, Egypt, Mohammad al-Ghazali, Quran, Sirah, Rashidun Caliphs.

---

1. Email of Author: basiriabbass@ut.ac.ir

## بازنمایی تاریخ صدر اسلام در آثار و افکار شیخ محمد الغزالی مصری

عباس بصیری<sup>۱</sup>

دانشجوی دکترای تاریخ اسلام دانشگاه تهران

رسول جعفریان

استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران

(از ص ۲۵ تا ص ۴۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵

علمی-پژوهشی

### چکیده

تاریخ صدر اسلام به‌عنوان نقطه‌ای ایدئال و آرمانی از تاریخ اسلام تا عصر حاضر دست‌مایه بسیاری از متفکرین مسلمان برای تبیین وضع موجود خود و ارائه راهکار و چشم‌اندازی برای آینده بوده است. متفکرین مصری به‌ویژه در دوران معاصر با بروز زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جدید و ورود هم‌اوردی قدرتمند به نام مدرنیته در پی خوانشی جدید از مقطع صدر اسلام برای رهنمون‌سازی جامعه مصر به سمت اعتلایی از جنس اسلامی برآمدند. در این پژوهش سعی شده است تا با مطالعه موردی بر آثار شیخ محمد الغزالی، از متفکران اسلام‌گرای معاصر مصر، نوع و چگونگی بازنمایی وی از تاریخ صدر اسلام مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش با تکیه و توجه به زمینه و زمانه پیدایش این آثار به بررسی آنها پرداخته است. غزالی با گرایشی سلف‌گرا، تاریخ صدر اسلام را مبنایی برای بازگشت جامعه مسلمان مصر و نیز مسلمانان جهان اسلام به دوره درخشان گذشته می‌داند. وی علاوه بر تاریخ اسلام از دو منبع مربوط به صدر اسلام یعنی قرآن و سیره پیامبر اسلام برای تبیین گذشته بهره برده است. اوضاع و زمانه حیات غزالی در مصر وی را به پرداختن به موضوعاتی از قبیل عدالت اجتماعی، مقابله هم‌زمان با سرمایه‌داری، کمونیسم و سوسیالیسم، استعمار سیاسی و فرهنگی، امکان برقراری حکومت اسلامی، مسأله زنان، توجه به قرآن و مفاهیم آن، مسأله فلسطین و یهود با تکیه بر تاریخ صدر اسلام رهنمون ساخته است تا از این طریق راه برون‌رفتی از وضعیت نابهنجار و عقب‌مانده جامعه مصر بیابد.

**واژه‌های کلیدی:** تاریخ صدر اسلام، مصر، محمد الغزالی، قرآن، سیره پیامبر، خلفای راشدین.

## ۱. مقدمه

نخبگان و عامه مسلمانان در هر عصری نگرشی خاص به دوره صدر اسلام داشته و دارند. نخبگان معاصر مصر نیز در مواجهه با فرهنگ غربی و ملازمات آن خود را نیازمند خوانشی جدید از تاریخ صدر اسلام دیدند؛ مختصات جهان مدرن و مسائل نوپدید ناشی از آن متفکران جامعه را به تکاپو واداشت. محمد غزالی که به عنوان یکی از متفکران اصلی اخوان المسلمین شناخته می‌شود نیز از این قاعده مستثنی نبود. وی در باب نگاه جدید و نزدیک‌سازی گذشته و حال، با رویکردی همدلانه با نگاه سلفی «مکتب المنار» را هوشمندترین مکتب فکری روزگار جدید می‌داند که توانست سلف و خلف، عقل و نقل، اجتهاد و تقلید را بر پایه بیداری عقل اسلامی در کنار هم قرار دهد (غزالی، ۱۳۹۵: ۹۲). غزالی که می‌توان وی را در شمار سلف‌گرایان قرار داد، برخلاف تجدیدگرایان مسلمان معتقد به تفسیر عصری از اسلام نیست؛ از نظر وی بایست تفسیری براساس فهم سلف به دست داد، که این موضوع بر عهده عالمان اسلامی است (همان، ۱۳۹۵: ۸۶). اندیشه غزالی در ساحت اصلاح‌گری حوزه‌های متنوع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را در برمی‌گرفت. وی این حوزه‌های معرفت را با «عقل اسلامی» کاوید. چارچوب فکری وی مبتنی بر ایمان، عقل، علم و احساس درونی و ارتباط عقل و ایمان است (جدعان، ۱۹۹۷: ۱۰۷-۱۰۸).

می‌توان اثر عبدالمجید شرفی، «اسلام میان حقیقت و تجلی تاریخی»، را در ارتباط با نگاه نقادانه به تاریخ اسلام و سیره پیامبر و بازنمایی آن در دوره جدید به‌عنوان پیشینه این پژوهش مطرح ساخت. نمونه دیگری که بتوان به‌عنوان پژوهشی در باب بازنمایی تاریخ صدر اسلام در آثار متفکران معاصر جهان عرب برشمرد، کتاب «کتابه السیره النبویه لدی العرب المحدثین» از حسن بزاینیه است که در آن به سیره‌نگاری‌های معاصران در جهان عرب پرداخته است.

پژوهش حاضر با تکیه بر آثار غزالی چگونگی بازنمایی و بهره‌گیری از تاریخ صدر اسلام را در نگرش وی مورد بررسی قرار می‌دهد. این بازنمایی در سه محور قابل شناسایی است؛ نخست لزوم بازنگری در مفهوم تاریخ و گرایش به پیراستن و منقح ساختن تاریخ صدر اسلام مد نظر وی است. در ساحت بعدی وی با تکیه بر حوزه‌های معرفتی خویش یعنی قرآن، تفسیر، فقه و حدیث الگویی برای بازنمایی ارائه می‌دهد. در

گام آخر وی با توجه به مفاهیم جدید و در تقابل با مکاتب غربی از تاریخ صدر اسلام برای ورود به این مباحث استفاده می‌کند.

## ۲. زندگینامه

محمد الغزالی در ۱۹۱۷م. در قریه «نکلا العنب» در مرکز «ایتای البارود» از استان بحیره مصر به دنیا آمد. پدرش برای تیمن به نام «امام محمد غزالی»، وی را «محمد الغزالی» نام نهاد. در ده سالگی حافظ کل قرآن شد. وی برای ادامه تحصیل به موسسه دینی اسکندریه (تابع الأزهر) رفت. در ۱۹۳۲م. دوره ابتدائی و در ۱۹۳۷م. دبیرستان را به اتمام رسانید. در ۱۹۳۷م. به دانشکده اصول دین قاهره رفت و در ۱۹۴۳م. اجازه دعوت و ارشاد را دریافت کرد. همزمان با تحصیل در دانشکده اصول دین، خطیب یکی از مساجد قاهره بود و در ۱۹۴۲م. خطیب مسجد «العتبه الخضراء» در قاهره شد.

غزالی در ۱۹۳۷م. به حسن البناء پیوست و از نویسندگان برجسته اخوان المسلمین شد. در دو نوبت در ۱۹۴۹م. و ۱۹۶۵م. زندانی شد. وی از منتقدین ساختار حاکم بر مصر پس از انقلاب جولای ۱۹۵۲م. به رهبری افسران آزاد بود. رویکرد انتقادی وی موجب در تنگنا قرار گرفتن وی شد و او بیشتر به تألیف آثارش پرداخت. در ۱۹۷۴م. برای تدریس در دانشگاه‌های عربی از مصر خارج شد و در ۱۹۸۸م. به مصر بازگشت. در این فاصله به کشورهای مختلف اسلامی سفر کرد و به‌عنوان یکی از علمای برجسته اسلام در قرن بیستم شناخته شد. وی در مجامع مهمی از جمله «مجمع البحوث الإسلامیه» در الأزهر، «المجمع الملکی لبحوث الحضاره الإسلامیه» در اردن، «المجلس العلمی للمعهد العالمی للفکر الإسلامی» و «الهیئه الخیریه الإسلامیه العالمیه» عضویت داشت. وی در ۱۹۹۶م. در بزرگداشت پنجاهمین سال تأسیس سازمان ملل به نمایندگی از الأزهر در آنجا سخنرانی کرد. چند هفته پس از سفر به آمریکا برای شرکت در جشن ملی فرهنگ عربستان راهی این کشور شد که در همین سفر دار فانی را وداع گفت (عمار، ۲۰۱۱: ۵-۱۰).

آثاری چند از وی به فارسی ترجمه شده است و این امر باعث شده است تا اندیشمندان حوزه مطالعات اسلامی با نام وی آشنا باشند. از آثار ترجمه شده وی به فارسی که در این پژوهش نیز از آنها استفاده شده است می‌توان از کتاب‌های *فقه السیره*، *نقش قرآن در جهان معاصر*، *نگرشی نو به قرآن*، *ارزیابی میراث فکری مسلمانان* نام برد. نگاشته‌های گوناگون وی در حوزه مطالعات اسلامی که ناظر بر مسائل روز

جوامع اسلامی و دغدغه‌های اسلام‌گرایان است لزوم آشنایی بیشتر با این متفکر را بایسته کرده است.

### ۳. محمد الغزالی؛ بینش و روش تاریخی

از نظر محمد الغزالی نگرش به مسائل اسلام معاصر نیازمند توجه به پیشینه تاریخی و واقعیات زمانی و مکانی است؛ تاریخی که انباشتی از تجربیات مثبت و منفی است (غزالی، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۷۷). تعریف وی از تاریخ، بنابر گفتمان تقدیرگرای تاریخی «چیزی جز رفتار انسان‌ها نیست، و اعمال بشر هم در ترازوی شرع و سنت خداوند قابل توزین است و شرع و میزان خداوندی تابع آن نیست» (غزالی، ۱۳۸۰: ۱۱۲). در روزگار معاصر، امت اسلامی گرفتار قشری‌نگری در باب وقایع تاریخی بوده و به مرحله تحلیل و چرایی حوادث نمی‌رسند. غزالی از جایگاه تاریخ در میراث مسلمانان به‌عنوان دانشی درجه دوم که جولانگاه اشاعه خرافات و دروغ شده، گلایه‌مند است. از نظر وی بایست به پیرایش و نقد اضافات، بدعت‌ها و تحریفات موجود در تاریخ با همان روش نقد حدیث و روایت در سنت اسلامی دست زد (همان، ۲۰۰۵: ۵۷؛ ۱۳۹۳: ۸۲-۸۸؛ بی تا ب: ۹۷). همچنین برای مطالعه میراث اسلامی بایست پژوهش‌های غیرمسلمانان را نیز مطالعه کرد تا مواضع دیگران نسبت به اسلام آشکارتر شود. إهمال مسلمانان در توجه به تاریخ اسلام راه را برای سیطره باورهای غربی باز گذارده است (همان، ۱۳۹۵: ۱۸۹-۱۹۳).

گرایش به تاریخ سیاسی در گذشته موضوعات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را به حاشیه رانده بود، ولی در دوران معاصر به این حوزه‌ها نیز توجه شد. پژوهشگران علاوه بر خوانش سیاسی از ماجراهای صدر اسلام با کاربست روش‌های نوین جهان‌متن‌ها را گسترش دادند تا میان متون قدیمه و اوضاع و احوال معاصر ارتباط برقرار سازند. غزالی ارزش تاریخ فرهنگی مسلمانان را بیش از تاریخ سیاسی می‌داند که البته آن نیز نیازمند نقد و اصلاح است. گرایش به تاریخ فرهنگی راهنمای خوبی برای طراحی آینده و مقابله با ایس‌م‌های غربی در ساحت فرهنگی و علمی است (همان، بی تا ث: ۱۸۲-۱۸۳).

غزالی به گفته خود بر کار روشمند تاریخ‌نویسان دوره جدید بر پایه تعلیل و برقراری ارتباط منطقی میان حوادث متفاوت و نیز روش مقایسه‌ای تکیه کرده است. وی ارزشمندی گردآوری داده‌های مهم و صحیح در میان انبوه اطلاعات گذشته را منوط به داشتن نگاه نقادانه کرده است (همان، ۱۳۸۸: ۸-۹). او در مهم‌ترین اثر خود درباره سیره پیامبر موضوعات به هم‌پیوسته را با دسته‌بندی نصوص و روایات، به‌صورت موضوعی

تدوین کرده است. وی خود را نه نگارنده‌ای بی‌طرف، بلکه در همدلی کامل با پیامبر اسلام معرفی می‌کند. بافت اجتماعی پیدایش و تولید کتابش، «فقه السیره» در نوع نگاه و هدف‌گذاری وی مؤثر بوده است؛ یعنی روزگاری که مسلمانان دچار عقب‌ماندگی فکری و عاطفی هستند (غزالی، ۱۳۸۸: ۹). وی در این اثر می‌کوشد تا مشخصه‌های اصلی سیره را در ارتباط با زمانه خود بازنمایی کند.

از دیدگاه غزالی خوارشماری گذشته و تحریف تاریخ از اشکال هجوم بر اسلام است. وی به محتوای مقاله‌ای از «زکی نجیب محمود» مبنی بر بی‌نیازی انسان عربی عصر جدید به گذشته اشاره می‌کند. او مقصود نجیب محمود از این سخن را بی‌نیازی از قرآن و سنت تلقی کرده است. نجیب محمود در مقاله‌ای دیگر مسلمانان را به خواندن «سرمایه» مارکس دعوت کرده است که غزالی آن را مکمل بحث قبلی می‌داند. غزالی برخلاف نجیب محمود حقیقت را ولو در آثار گذشتگان، واجد توجه می‌داند. وی به تحریف تاریخ صدر اسلام از سوی پیروان مکاتب غربی اشاره می‌کند؛ به‌عنوان نمونه «عبدالرحمن الشرفاوی»، سیره‌ای از پیامبر اسلام نگاشته و حقایق را وارونه و وقایع را به نحوی خودخواسته توجیه نموده است. این همان رویکرد مستشرقین به شکلی دیگر و برای تعرض به پیامبر است (همان، ۱۹۹۱: ۹۰-۹۳؛ الشرفاوی، ۱۹۹۰: صفحات متعدد).

غزالی جلوگیری از پژوهش در تاریخ، منع به‌بوته راستی‌آزمایی نهادن وقایع، نقد حکام و مردان نامی و بررسی موقعیت‌ها و فضای پیرامون حکومت و حکومت‌داران را در انحراف حکومت و سیاست اسلامی مؤثر دانسته است. بی‌توجهی به تاریخ مانع از فهم قرآن و سنت نبوی و دارای آثار سوء در ساحت‌های زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی است (غزالی، ۲۰۰۵: ۷۳-۱۲۶).

#### ۴. رویکرد غزالی نسبت به نص و متن

##### ۴-۱. قرآن

##### ۴-۱-۱. مرجعیت قرآن نزد غزالی برای بازنمایی تاریخ صدر اسلام

بخش اعظمی از مطالعات میراث‌پژوهی در میان نوگرایان و بازگشت‌گرایان به مطالعات قرآنی بازمی‌گردد. غزالی به‌عنوان یک سلف‌گرا و در همین فضای میراث‌پژوهی قرآن را بهترین مبنا برای بنیان نهادن علوم انسانی صحیح می‌داند. البته وی در فهم علوم انسانی ناخودآگاه متأثر از گزاره‌های مبتنی بر دانش مدرن نیز هست و این موضوع به

گونه‌ای تناقض دارد. وی ضمن انکار ستیز دانش و دین به غفلت مسلمانان از فهم جهان هستی بر پایه نشانه‌های قرآن اشاره دارد (همان، ۱۳۹۵: ۲۳-۴۳-۴۵).

انعطاف‌پذیری قرآن نشانه همگامی آیات آن با روزگاران متفاوت است. البته این انعطاف‌پذیری مستلزم نیت درست است و نبایست ذوجوه بودن قرآن عامل تفسیر به رأی شود. تکیه بر سنت پیامبر - سنت متواتر و صحیح - راه را بر تفسیر نادرست می‌بندد؛ زیرا قرآن قالب‌های مشخصی برای سلوک سیاسی-اجتماعی ندارد؛ بلکه حاوی اصول کلی است؛ لذا بایست در تلازم سنت باشد (همان، ۲۰۰۵: ۵۸-۵۹؛ ۱۳۹۳: ۲۳۵-۲۳۶).

غزالی با استفاده از قصص قرآن و نوع روایت‌گری آنها برای انتقال مفاهیم موافق است. تلاش‌های «حسن البنا» و تکیه بر نگارش به سبک داستانی (که از نظر غزالی مورد بی‌مهری واقع شده است) از همین جنس است. به‌عنوان نمونه «حسن البنا»، لشکرکشی «ابرهه» را بر پایه روابط بین‌الملل و توطئه‌ای حساب‌شده میان امپراتوری روم و حاکم حبشه توضیح داده است. این شیوه داستان‌گویی برای انتقال مفاهیم مهم روابط دینی و بین‌المللی و اطلاعات تاریخی کارآمد است (همان، ۱۳۹۳: ۱۰۰-۱۰۱-۱۴۴). البته وی با اشاره به برخورد امام علی (ع) با قصابین و بیرون کردن آنان از مساجد قصه‌پردازی‌های بی‌پایه را نکوهش می‌کند؛ زیرا دروغ‌پردازان و جاعلین حدیث به همراه برخی وعاظ و فقها افکار مسلمین را منحرف کردند (همان، ۱۳۹۳: ۱۱۲؛ همو، ۲۰۰۵: ۴۰). غزالی به یک معنا، قرآن را کتاب تاریخی نمی‌داند؛ زیرا زمان و مکان یعنی عناصر اصلی تاریخ را به روشنی نشان نداده و شرح‌چندانی از رخدادها ارائه نمی‌دهد؛ در صورت فقدان کتب تاریخی حتی مشخص نبود منظور از سرزمین قوم عاد کجاست؟ زیرا قرآن زمان و مکان آن را بیان نمی‌کند (همان، ۱۳۹۳: ۲۲۱).

#### ۲-۱-۴. رویکرد تفسیری غزالی

علاوه بر قرآن، تفاسیر نیز دست‌مایه‌ای برای بررسی انتقادی سیره پیامبر از سوی غزالی هستند. شاید نتوان گزارشی از تعامل وی با تفاسیر در نگارش تاریخ ارائه کرد، ولی می‌توان با ذکر مواردی، نوع مواجهه وی با مطالب تاریخی تفاسیر را شناسایی کرد. او در آسیب‌شناسی مطالعات تفسیری به ماجرای «زینب بنت جحش» - از موضوعات محل مناقشه در تاریخ صدر اسلام - مفسران بیانی و ادبی قرآن را مسبب دامن زدن به این داستان خرافی و بی‌اساس دانسته است. در روایت «غرانیق» نیز نظرات ناصواب پیرامون

آن را به مفسرین ارتباط می‌دهد. مفسران و نویسندگانی مانند ابن اسحاق، طبری، سیوطی و ابن حجر در مواجهه ناآگاهانه با موضوع دچار خطا شده‌اند (همان، ۱۳۹۳: ۶۹-۷۰؛ ۱۳۹۵: ۶۱).

غزالی از چرایی و چگونگی راه‌یابی اکاذیب در کتب تاریخ و تفسیر و عدم تقابل اهل تحقیق با آن می‌پرسد. وی ورود این‌گونه مطالب را حاصل غفلت‌زدگی مسلمانان در مواجهه با اندیشه یهودیان می‌داند (همان، ۱۳۸۸: ۱۵۸-۱۶۰). دنیاگرایی «کعب الاحبار» بود که باعث شد اقدامات «عثمان» در زمینه باز گذاردن دست «بنی عبد شمس» در بیت‌المال توجیه و عادی‌سازی شود؛ بنابراین بایست به تأدیبات کعب الاحبارهای جدید پرداخت (همان، ۲۰۰۵ الف: ۸۴-۸۵). این نوع نقد، در ادامه انتقاد از تسلط فرهنگی با نام «اسرائیلیات» بر فرهنگ اسلامی است؛ رویه‌ای که در «تفسیر المنار» مرتب بکار گرفته می‌شد و روی غزالی هم تأثیر گذاشته است.

#### ۲-۴. سنت

#### ۱-۲-۴. حدیث؛ منبعی در بازنمایی و نقد تاریخ صدر اسلام

غزالی بعضاً بدون تمرکز بر ملاک‌های جرح و تعدیل به احادیث ضعیف استناد می‌کند؛ زیرا معتقد است هم‌خوانی آنها با نص، اجازه بهره‌گیری و نقل آنها را در بازنمایی تاریخ صدر اسلام می‌دهد. وی اطلاع صرف از حدیث را برای روایت کافی نمی‌داند و به باور وی نخستین شرط در نقل احادیث، فهم مقصود اصلی از روایت حدیث است. به‌عنوان مثال تعجب «عایشه» از نقل احادیث فراوان توسط «ابوهریره» در مقام تکذیب منقولات وی نبود، بلکه شیوه وی در نقل حدیث را موجب غفلت از شأن ایراد حدیث می‌دانست که ممکن بود منجر به از یاد بردن و یا از بین رفتن مقصود حدیث شود (همان، ۱۳۸۸: ۱۶-۵۷). در نقطه مقابل رویکرد نخست و سهل‌گیرانه غزالی در نقل حدیث چشم‌پوشی وی از نقل احادیث مرتبط با برخی وقایع تاریخی است. مثلاً وی از نقل روایت «مسلم» و «بخاری» در مورد «غزوة بنی‌المصطلق» با وجود اهمیت تاریخی آن خودداری کرده است؛ زیرا از نظر غزالی این روایت ناظر بر غافل‌گیر کردن آنان از سوی پیامبر اسلام است؛ درحالی‌که این موضوع مغایر با منطق اسلام و به دور از سیرت پیامبر است (همان، ۱۳۸۸: ۱۶).

غزالی با توجه به دقت نظر درباره کوچک‌ترین موضوعات در مقطع صدر اسلام، سستی و سهل‌انگاری در زدودن خرافات در دوران معاصر را به باد انتقاد می‌گیرد. عمر بن خطاب به‌واسطه نقل حدیث «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ»، «ابوهریره» را توبیخ



کرد؛ زیرا واهمه داشت ظاهرگرایی حدیثی بر مسلمانان مستولی شده و نقل روایات واهی موجب بدفهمی احادیث و بروز اختلاف آراء شود. همان گونه که اهتمام افراطی به روایات، عامل واپس ماندگی و به چالش کشیده شدن خرد مسلمانان و رواج عقلانیتِ روایی شده است (همان، ۱۳۹۳: ۲۲۸؛ ۲۰۰۵: ۴۰؛ ۱۳۸۰: ۸۰).

از مصادیق کج فهمی و بدفهمی روایات، منقولاتِ مربوط به زنان است که آثار آن در دنیای معاصر نیز هویدا است؛ به گونه ای که حتی در دوران معاصر برخی با استناد بر برخی روایات در مقام نفی حضور اجتماعی زنان برآمده اند. غزالی این موضوع را حاصل بی خبری از سنت اصیل اسلامی و استفاده ابزاری از احادیث برای مهجور کردن زنان می داند. وی برای نقد این نگاه بر روایات و تاریخ اتکا کرده است. او با ارجاع به «صحیح بخاری» به حضور «عایشه» و «امّ سلیم» در «غزوه احد» و برخی عناوین ابواب «صحیح بخاری» از جمله «غزوه زنان در دریا»، «در جنگ زنان برای مردان با مشک آب می بردند» و «زنان در جنگ (غزوه) زخمیان را مداوا می کردند» باور به عدم حضور اجتماعی زنان در جامعه را باطل می کند. پیشگام شدن خواهر عمر در پذیرش اسلام، حضور زنان در مسجدالنبی، بیعت زنان در «عقبه الکبری» و «بیعت رضوان»، حضور «امّ عطیه» در هفت غزوه دیدگاه غزالی را تقویت می کند (همان، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۲؛ بی تا الف: ۶-۷-۱۴؛ ۲۰۰۵: خ: ۳۶). همچنین غزالی برای نفی سخن کسانی که دم از پوشاندن تمام صورت برای زنان می زنند نیز دلایلی مبتنی بر آیات و روایات می آورد تا در برابر استفاده ابزاری از احادیث و روایات و فهم نادرست از آنها بایستد (همان، بی تا پ: ۴۴-۴۸).

#### ۲-۲-۴. اصلاح گری در فهم سنت و سیره

غزالی با تکیه بر تعریف امام شافعی، سنت را «فهم پیامبر یا تراوش فهم او نسبت به قرآن در پیوند همه جانبه با قرآن» تعریف می کند (همان، ۱۳۹۳: ۵۳). تلاش برای بازگشت به دوران گذشته نیز وی را در دسته بندی جریان سلفیه قرار می دهد. هرچند در مفهوم سلفی گری اختلاف نظر وجود دارد و به لحاظ زمانی، نوعی اختلاف در درک آن به ویژه در نظرات «شیخ محمد عبده» و «رشید رضا» به عنوان بانیان این مفهوم مشاهده می شود (حورانی، ۱۳۹۳: ۱۸۱-۲۶۱-۲۶۲). غزالی با وجود اعتقاد به فهم های متفاوت از مفهوم سلفیه، آن را گرایشی عقلانی و در عین حال احساسی نسبت به زمانه اعتلای اسلام می داند. وی با رد گرایش به فقه «احمد بن حنبل»، نص گرایی و حدیث گرایی افراطی درصدد تنقیح مفهوم سلفیه برآمده است (غزالی، بی تا ث: ۹۰-۹۳). درک نادرست از

سلفی‌گری مبتنی بر ناسازگاری آن با نوگرایی از اصلی‌ترین دشمنان بیداری اسلامی است؛ پیروان این نوع سلفی‌گرایی به نام مخالفت با تقلید مذهبی، بدون تخصص در حوزه‌های علوم دینی از جمله فقه، میراث اصیل اسلامی را کنار نهاده و قرآن و سنت را تفسیر به رأی کرده و فهم خود را فهم درست و اندیشه‌های متفاوت با خود را خارج از دایره اسلام برمی‌شمردند. غزالی این پدیده را «علم مغشوش» و به ضرر اسلام می‌داند (همان، ۲۰۰۵: ۵۱-۵۲).

غزالی شناخت و کانون توجهات امروزی از سیره پیامبر را مبتنی بر مسائل کم‌اهمیت و صرف تقلید از سنت موروثی دانسته که این مواجهه با جهل نسبت به سیره این‌همانی دارد (همان، ۱۳۸۸: ۸). برای جلوگیری از غلو و اغراق در سیره و زدودن سخنان بی‌پایه چاره‌ای جز رجوع به صدر اسلام نیست. بایست شخصیت تاریخی محمد (ص) را بازشناخت. محصور کردن پیامبر در لایه‌های قدسی پرشمار الگوبرداری از او را دور از دسترس می‌کند؛ درحالی‌که نگاه تاریخی، امکان نزدیکی با سرشت انسانی وی را میسر می‌سازد (همان، ۲۰۰۵: ۴۶-۴۷).

از نظر غزالی ولادت پیامبر امری عادی بوده و آنچنان که برخی روایات تاریخی نقل می‌کنند حوادث شگفتی در این میان رخ نداده است؛ زیرا مورخان حتی نتوانسته‌اند تاریخ دقیق تولد پیامبر را مشخص سازند. تنها توافق غالب، مقارنت آن با سال حمله حبشی‌ها به مکه یعنی ۵۷۰ م. است. او با رد کردن اره‌صاف همزمان با ولادت پیامبر، روایت آنها را تنها نمادسازی از پیامبر به مثابه پیام‌آور زوال ستم می‌داند. خوارق عادات منتسب به این ولادت، بسیار بعدتر از صدر اسلام به صورت روایات بی‌پایه و اساس شکل گرفتند. موضوع خوارق عادات، نیازمند ارزیابی علمی، اثبات، مفاهیم و معانی خود وقایع است. غزالی پرداختن به بحث معجزات پیامبر را به سبب سپری شدن ایام نبوت کم‌فایده می‌داند (همان، ۱۳۸۸: ۶۳-۶۶-۷۰-۸۱-۸۳؛ ۲۰۰۵: ۵۷).

غزالی با وجود باور برخی محققان به ساختگی بودن ماجرای «بحیرای راهب» رخ دادن آن را غیرممکن نمی‌داند، زیرا در انجیل، به بعثت پیامبری پس از عیسی (ع) بشارت داده شده بود. به باور غزالی صحت و سقم این ماجرا در نبوت پیامبر بی‌تأثیر است (همان، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۴).

غزالی از دانش جدید نیز در مباحث سیره‌پژوهی خود بهره می‌برد. بر همین اساس است که در بحث از کیفیت «اسراء» مَرکَب پیامبر موسوم به «براق» در این سفر را

مشتق از «برق» دانسته و بهره‌گیری از نیروی برق در این سفر را متصوّر است! البته به وجود شرایط خاص برای چنین موضوعی اذعان دارد. جایگاه بیت‌المقدس نیز به دوره پیامبران بنی‌اسرائیل اشاره دارد، که با کفران نعمت بنی‌اسرائیل به محمد (ص) از نوادگان اسماعیل (ع) انتقال یافت. او علاوه بر «اسراء»، ماجرای «شق صدر» را نیز رمزگونه تعبیر می‌کند (همان، ۱۳۸۸: ۱۸۱-۱۸۲).

### ۳-۲-۴. فقه‌السیره؛ تعامل فقه و تاریخ

غفلت مسلمانان از مفهوم گسترده فقه به‌عنوان مقوله‌ای تمدنی جای تأمل دارد. در طول تاریخ نیز حکام مایل نبودند در مورد مقوله‌ای مانند شورا و تبیین آن که از مصادیق فقه بود، صحبتی شود. همین بی‌توجهی‌ها معنای وسیع واژه فقه را به محاق برد. غزالی با اشاره به کتابش - «فقه‌السیره» - هدف از نگارش آن را، نه توجه به فقه مصطلح، بلکه بررسی مراحل و ادوار و تبیین چگونگی و چرایی حوادث مهم سیره نبوی برشمرده است (همان، ۱۳۹۳: ۱۱۳-۱۱۴). غزالی رویکرد فقیهانه را اسباب شناخت صحیح وقایع می‌داند؛ به این معنا که با استدلال‌های قوی و دلالت‌های دور و نزدیک به سراغ آیات و روایات رفت و پیوند محکم‌تری بین آنان برقرار ساخت (همان، بی‌تا پ، ۸-۹-۱۹-۲۳). وی ضمن اشاره به گرایش ظاهرگرای اهل حدیث از دقت نظر فقها سخن می‌گوید. البته نایب‌ت از تلازم کوشش‌های اهل حدیث و فقها و فقه و سنت غفلت کرد. قرار گرفتن اسلام در جایگاه درست خود منوط به همکاری این دو شاخه با هم است (همان، بی‌تا پ، ۳۱-۳۲).

### ۵. رویکرد غزالی نسبت به زمینه‌های انضمامی

#### ۵-۱. سیاست

#### ۵-۱-۱. مفهوم حکومت اسلامی؛ سویه سیاسی در بازنمایی تاریخ صدر اسلام

محمد الغزالی از آغاز عضویت در اخوان‌المسلمین در پی تئوریزه کردن لزوم حکومت اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت و بازگشت به اسلام زمان پیامبر و خلفای راشدین بود. (همان، ۱۳۸۰: ۲۰۳-۲۰۴). البته با وجود ارجاع وی در مقوله حکومت به صدر اسلام، وی نمونه‌ای از هیچ‌یک از احکام حکومت در قرآن و سنت ارائه نکرده و فقط مدعی است وظایف و تکالیف حکومت به‌صورتی روشن در قرآن و سنت تعیین شده‌اند! درحالی‌که برای ادعای خویش دلیلی نمی‌آورد (السمان، ۱۳۵۷: ۵۷). غزالی با نگاه آرمان‌گرایانه به دوران پیامبر به تأسیس حکومت اسلامی از سوی ایشان و تداوم آن در دوره خلفای

راشدین معتقد است؛ درحالی که پس از این دوره، آشکال دیگری از حکومت که با اسلام تطابقی نداشتند، به وجود آمدند (غزالی، ۲۰۰۵: پ: ۱۶۷-۱۶۸).

از منظر غزالی خلفای اربعه حکومت را امری عبادی می‌دیدند، انتخاب آنان نه با استبداد و برتری‌طلبی بلکه منوط به شورا بود. درحالی که پس از این دوره مجدداً عصبیت قبیله‌ای، حَسَب و نَسَب، سنت‌های عرب جاهلی و فردگرایی که از مظاهر جاهلیت بودند، بازتولید شدند (همان، ۲۰۰۵: ر: ۱۲-۱۳). غزالی عدم برخورد عثمان با محاصره‌کنندگان منزلش را وجود آزادی در زمان وی می‌داند؛ درحالی که اعمال قوه قهریه در مواقع ضروری نزد حکومت‌های امروزی امری پذیرفته شده است (همان، ۱۳۸۰: ۱۰۹-۱۱۰؛ ۲۰۰۵: ت: ۷۸-۷۹). غزالی معتقد است وجود آزادی عمومی در زمان عثمان تبدیل به عاملی برای سوءاستفاده شد که از نتایج آن حاکم شدن امویان و پایمال شدن حقوق اساسی مسلمانان، نادیده انگاشته شدن حق مردم در انتخاب خلیفه، از بین رفتن آزادی فردی و دست‌اندازی حاکمان به بیت‌المال مسلمین بود (همان، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

غزالی بر این باور است که درباره بخشی از دوره خلفای راشدین جنبه‌های منفی پررنگ شده و جنبه‌های مثبت مکتوم مانده‌اند. وی مقاومت مسلمانان آذربایجان در مقابل روس‌ها در دوران معاصر را با موضوع فتح این منطقه در زمان عثمان مقایسه کرده و گلایه می‌کند که چرا با اغماض از چنین وقایعی تنها مشتی دروغ و تهمت (از جمله تقرّب عشیره‌اش نزد وی) به وی نسبت داده شده است! (همان، ۱۳۹۵: ۱۸۴-۱۸۵). وی همچنین «فتنه کبری» (شورش علیه عثمان) را دارای زیربنای سیاسی می‌داند. نکته ظریفی که در این میان وجود دارد اینکه طرفین این ماجرا که از آن فقط تعبیر به «فتنه» شده، یکدیگر را تکفیر نکردند و این رویداد به اجتهادی بودن و اختلاف اجتهاد در این موضوع ارجاع داده شد (همان، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۴؛ همو، ۱۳۹۳: ۱۸۰). بایست توجه داشت غزالی در تبیین مفهوم فتنه، اوضاع و احوال زمانه معاصر خود را در نظر آورده و می‌کوشد مسلمانان مصری را متوجه فتنه‌های زمان خویش سازد. غزالی ذکر تلاش‌های خلفای راشدین برای برون‌رفت عرب‌ها از فرهنگ جاهلیت را سودمندتر از نقل وقایع تاریخی اختلاف‌برانگیزی مانند واقعه «جمل» و «صفین» می‌داند؛ زیرا با اصرار بر وقایع منفی، آن‌ها در اذهان مسلمین ته‌نشین شده و وقایع مثبت و مهم مغفول مانده‌اند (همان، ۱۳۹۵: ۱۸۵-۱۸۶).

از نظر غزالی دولتِ خلفای راشدین به دو بخش تقسیم‌شدنی است؛ بخش نخست دورهٔ خلافت ابوبکر و عمر است که به تعبیر غزالی بی‌نظیر است. بخش دوم نیز با وجود بروز فتنه‌ها و منازعات داخلی در دوران عثمان و امام علی (ع) نمایانگر دوران راشده است. وی دلیل مطلوبیتِ نسبی دورهٔ عثمان را مطیع بودن وی نسبت به جمهور مسلمین و عدم خودکامگی می‌داند (همان، ۱۳۹۳: ۲۳۱-۲۳۲-۲۳۷). در مقایسه با عثمان، معاویه اعتقادی به مشارکت مسلمانان در حکومت نداشت. غزالی بر این نظر است که بی‌تفاوتی مسلمانان به رویهٔ گزینش خلفای راشده که می‌توانست الگویی برای آینده باشد، بروز انحراف در جامعهٔ اسلامی را در پی داشت. غزالی با رویکردی مقایسه‌ای به کار گرفتن خاندان «عبد شمس» در زمان معاویه را به حاکمیت «بوریون‌ها» و «خاندان هابسبورگ» در اروپا تشبیه می‌کند و نوع حکومت معاویه را بازگشت حکومت «کسرای» و «هراکلیتوسی» مبتنی بر جان‌شینی و موروثی بودن می‌داند (همان، ۱۳۸۰: ۷۸-۷۹؛ ۲۰۰۵ الف: ۸۵).

غزالی سقوط خلافت اسلامی (خلافت عثمانی) را به ضرر جامعهٔ اسلامی دانسته و می‌گوید:

«پس از سقوط دولت عثمانی و آغاز بیماری‌های اخلاقی، اجتماعی، روانی و سیاسی، غرب فرصت را غنیمت شمرد و بر بسیاری از مناطق اسلامی چیره گشت و مردم مرعوب را به بند کشید و شکار خوبی به دام انداخت.» (همان، ۱۳۸۰: ۴۷).

وی در این باب زاویهٔ دید متفاوتی با «رشید رضا» دارد، با وجود آنکه رشید رضا، مقارن با الغای خلافت (۱۹۲۴م) این موضوع را کاربستِ به موقعِ حق مشروع قیام علیه حکام جور دانسته بود، غزالی بیش از دو دهه بعد در ۱۹۵۰م. این الغا را توبیخ و آن را نمود شکست در برابر غرب اعلام کرد. از نظر وی نبرد مذهبی شرق و غرب ادامه دارد؛ غرب به‌ظاهر در دوران معاصر از دین گسسته و خصومت غرب با اسلام به‌منزلهٔ تداوم جنگ‌های صلیبی است. دشمنی که در غزوه موده در مقابل مسلمین بود، اکنون نیز در حال جدال با اسلام است؛ بنابراین تأسیس حکومت اسلامی برای مقابله با حرکتِ صلیبی جدید ضروری است. البته بایست توجه داشت که میدان جنگ صلیبی در دوران معاصر دارای سرشتی فرهنگی است (عنایت، ۱۳۹۲: ۱۶۲؛ غزالی، بی‌تا: ۸۰-۸۱).

غزالی با نگاهی حال‌محور و برای تقویت ادعای کارگشا بودن تاریخ صدر اسلام و ایدهٔ حکومت اسلامی بر گفته‌های «جمال عبدالناصر» در «فلسفه الثورة» و «الدعوة التحریریة الکبری» تکیه می‌کند، جایی که ناصر هدف انقلاب ۱۹۵۲م. علیه رژیم

سلطنت را تجدید حیات مسلمین برشمرده و معتقد بود «پیامبر توانست دعوتش را به الگویی برای هر نوع حرکت و دعوت اجتماعی تبدیل کند. او آخرین پیامبر خداوند بود. سیره عملی آن حضرت، الگو و قانون اساسی برای حاکمان و نقشه‌ای عملی برای سالکان است». در پایان نیز مسلمانان و عرب‌ها را به اتحاد دعوت می‌کند (غزالی، ۱۳۸۰: ۲۶۱-۲۶۲).

## ۲-۱-۵. مسأله یهود

مسأله یهود و صهیونیسم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات معاصر محمد الغزالی و از محورهای اصلی مورد نظر وی برای تحلیل تاریخ صدر اسلام است. وی به‌صورت هم‌زمان، یهود صدر اسلام و یهودیان معاصر را در نظر دارد. وجود تنش میان عرب‌ها و اسرائیل به این توجه دامن زده است. جالب است که صدر اسلام برای یهودیان نیز مرجعیت دارد. به عنوان مثال در ۱۹۶۷م. هنگام شکست عرب‌ها از اسرائیل، «موشه دایان»، وزیر دفاع وقت اسرائیل، شکست عرب‌ها را انتقام‌گیری یهود مدینه و خیبر می‌خواند (همان، ۱۳۹۵: ۱۹۲).

از نظر غزالی یهودیان دارای ویژگی‌های ثابتی در طول تاریخ هستند؛ مانند اینکه در هر زمانی در پی تسلط بر امور مالی هستند. همچنین به سبب در اقلیت بودن از جنگ و نزاع آشکار دوری می‌کردند. بر همین مبنا بود که در صدر اسلام یهودیان مدینه با اختلاف‌افکنی، موجب نزاع عرب‌های مدینه شدند و از قبال این اختلاف‌افکنی‌ها ثروت اندوخته، پرشمار شده و قلعه‌های مستحکمی ساختند. امروزه نیز یهودیان افتخار می‌کنند که پس از قرون متوالی سرگردانی صاحب میهن شده‌اند! این امر خود مرهون تفرقه، غفلت و ضعف عرب‌ها بود که سیاست‌های غربی نیز مزید بر علت شد (همان، ۱۳۸۸: ۲۰۰-۲۰۱-۲۱۲). می‌توان این رفتار یهودیان را با رفتار پیامبر در بدو ورود به مدینه مقایسه کرد. ایشان به هیچ‌وجه به اخراج، مقابله و مصادره اموال یهودیان نیندیشید. حضور یهودیان و حتی مشرکین را در مدینه پذیرفت و پیمان دوستی با آنان بست. مسلمانان نه‌تنها به نقض پیمان نمی‌اندیشیدند، بلکه انتظار همکاری یهودیان در راه مبارزه با شرک و بت‌پرستی را داشتند (همان: ۲۵۲-۲۵۴-۳۲۱).

غزالی ادعای مستشرقان مبنی بر نزاع اسلام با یهود و نصاری بر پایه برخی آیات قرآن را نمی‌پذیرد؛ زیرا نمی‌توان بدون در نظر گرفتن بافت و فضای نزول، با مستمسک قرار دادن تعدادی آیه خاص به تضاد و تنافر فیما بین حکم داد. نبایست مسلمین تحت تأثیر نظر مستشرقانه نسبت به دین اسلام بدبین شوند. به باور غزالی غربی‌ها زمانی

مسلمانان را به جنگ طلبی متهم می‌سازند، که قدرتشان روزافزون است. در دوران جدید دولت یهود را در فلسطین مستقر کرده و مبارزه فلسطینیان برای آزادسازی سرزمین خویش را تخطئه می‌کنند (همان، ۲۰۰۵ پ: ۱۰۰-۱۰۶؛ بی تا ب: ۱۳-۱۵-۱۶).

غزالی از جمله اقدامات یهودیان پس از اخراجشان از «جزیره العرب» را دسیسه‌چینی و تلاش برای به قتل رساندن سه تن از خلفای راشدین می‌داند. غزالی متعجب است که با وجود این دشمنی‌های پنهان و آشکار چرا مورخان به حوادث و فتنه‌هایی که نقش یهودیان در آن مشهود است، نپرداخته‌اند (همان، ۲۰۰۵ ر: ۷۸). وی به دنبال ریشه‌یابی علل و عوامل عدم تعامل یهودیان با اسلام به عنوان دو دین یکتاپرست و نیز نزاع آنان با مسلمانان و حمایت آنان از مشرکین است. درحالی‌که در نزاع ایران و روم، مسلمین از شکست رومیان مسیحی ناراحت شدند. غزالی دلیل این بی‌توجهی را گسست یهودیان از دین و استفاده ابزاری از آن برای تحقق اهداف اقتصادی می‌داند. غزالی معتقد است بنی‌اسرائیل تا زمان تأمین منافعشان در قبال پیمان‌های قدیم و جدید خود پایبندند، در غیر این صورت به هر بهانه‌ای آن را نقض می‌کنند. بر اساس این دیدگاه گذشته و اکنون یهودیان نسبت به اسلام یکسان است (همان، ۱۳۸۸: ۳۲۴-۳۲۶-۳۹۳-۴۰۸). غزالی با ذکر روایتی از پیامبر مبنی بر نکوهش زنا و رباخواری به رواج این دو عمل فاسد حتی تا به امروز در میان یهودیان تصریح داشته و معتقد است اگر یهود هزار سال دیگر در «جزیره العرب» می‌ماند فقط به تجزیه آن کمک می‌کرد و مفاسدی همچون رباخواری و بی‌عفتی را به دنیا عرضه می‌کرد (همان، ۱۳۸۸: ۴۳۶-۴۳۷-۴۴۵).

## ۲-۵. مفهوم عدالت اجتماعی و بازنمایی تاریخ صدر اسلام

مفهوم عدالت اجتماعی از مهمترین مفاهیم سیاسی و اجتماعی دوران جدید است که علاوه بر اندیشمندان، برخی مکاتب فکری همچون سوسیالیسم نیز بدان تکیه کرده‌اند. همسویی برخی حکومت‌ها با این مکتب باعث ترویج آن در جهان اسلام نیز شد و اندیشمندان مسلمان در مواجهه با آن به ساحت اندیشه روی آوردند. ضمن آنکه نبایست از محیط و بازه‌های زمانی خاص در بسط و توسعه این مفهوم در جامعه غافل بود.

وقوع انقلاب ۱۹۵۲م. بزنگاه مهمی برای اندیشه‌ورزی در مصر بود. غزالی پس از انقلاب پنج کتاب حاوی مواضع اسلام در مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نگاشت. وی اذعان می‌کند که ممکن است حال و هوای انقلاب زمینه ورود برخی نقائص

در آن‌ها شده باشد که نه از سر تقصیر، بلکه از بابت قصور بوده است. در همان حال و هوای انقلاب «جمال عبدالناصر» در مقدمه «العدالة الاجتماعية و حقوق الفرد» معتقد به این‌همانی مشکلات مکاتب مادی و جدید با مشکلات فرد و اجتماع در صدر اسلام است؛ مشکلاتی که در پرتو قرآن و دعوت به انسانیت و برادری و عدالت اجتماعی حل شده است (همان، ۱۳۸۰: ۲۶۲-۲۶۳-۲۷۳).

غزالی با مشاهده مشکلات دولت مصر و عدم تعامل دولت و مردم رجوع به صدر اسلام را الگویی مناسب برای تغییر عملکرد مسلمانان معاصر می‌داند. وی به عنوان مثال از دوره خلافت عمر و اداره صحیح امورات اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی و پیوند حکومت با مردم یاد می‌کند (همان، ۲۰۰۵: ۶۷). ذیل همین مفهوم عدالت اجتماعی، مالکیت به عنوان مفهومی کلیدی مطرح می‌شود. غزالی در مواجهه با نظرات مکاتب غربی برای تبیین مطلق یا مقید بودن آن به نصوص دینی مراجعه کرد (همان، ۲۰۰۵: ۱۰۲). غزالی نمونه‌ای را از گرایش به تعاون به عنوان مفهومی اسلامی در دوره پیامبر اسلام بیان می‌کند. «اشعریون» در هنگامه سختی‌ها و جنگ و بی‌توجه به بیش و کم امکانات با یکدیگر شریک بودند. این امر چنان برای پیامبر خوشایند بود که با آنان احساس یگانگی می‌کرد. همچنین پیامبر خود رأساً در حفر خندق در «غزوة احزاب» شرکت جست. این موارد و نمونه‌هایی از این دست حکایت از همسان بودن پیامبر در شئون اجتماعی با مسلمین دارد (همان، ۲۰۰۵ الف: ۴۵؛ ۲۰۰۵ ب: ۱۱۹-۱۲۰).

غزالی به آسیب‌شناسی مفهوم عدالت اجتماعی در دوران خلافت عثمان می‌پردازد. عثمان که از طایفه «بنی‌عبدشمس» (طایفه‌ای که در جاهلیت سیادت داشتند و در عین حال از دشمنان اسلام بودند) بود جایگاه والایی در اسلام داشت. ابوبکر درباره طایفه بنی‌عبدشمس، قائل به رعایت مساوات با سابقین در اسلام و مهاجران در بیت‌المال بود؛ عمر با رد این مساوات تقدّم و تأخّر در پذیرش اسلام را ملاک عمل قرار داد. رسیدن عثمان به خلافت فرصتی برای انتفاع بی‌حد و حصر آنان از بیت‌المال بود که خشم بسیاری از صحابه و از جمله ابوذر را برانگیخت. ابوذر نمی‌توانست در برابر این تبعیض و زیاده‌خواهی سکوت کند. ولی درست در همین زمان استفاده ابزاری از دین برای توجیه اقدامات حاکمان باب شد. «کعب‌الاحبار» هرگونه دخل و تصرف بی‌حساب در بیت‌المال را برای خلیفه جایز می‌دانست و این ابوذر را خشمگین‌تر می‌ساخت (همان، ۲۰۰۵ الف: ۸۳-۸۴).



بهانه اخراج ابوذر از شام از سوی معاویه گسترش مبادی افراطی و گردآوری مردم بر آموزه‌های ناصواب یا به تعبیر امروزی شیوعی‌گری (کمونیست بودن) بود! این طعنه غزالی متوجه قدرت‌مداران روزگار خود است که مانند معاویه در پی خاموش کردن فریاد معترضان منتقد هستند. ایستایی و رخوت جامعه در برابر جابجایی حق و باطل نیز شایان توجه است. به زعم غزالی، عثمان در اعطای امارت به معاویه و تضييع حق صحابه‌ای چون ابوذر دچار خطای اجتهادی است (همان: ۸۶-۸۷). در دوران معاصر در ممالک اسلامی ابوذر از سوی سوسیالیست‌ها الگویی برای مبارزه طبقاتی بود؛ بنابراین غزالی کوشید نشان دهد تفاوتی میان ابوذر و دیگر صحابه وجود ندارد. ابوذر در دوران شیخین اعتراضی نکرد؛ زیرا شیوه این دو خلیفه را ادامه روش پیامبر می‌دانست.

غزالی بدون پیش‌بینی اتفاقات پیش روی جهان اسلام اوضاع و احوال زمانه خود را می‌نگارد تا به تعبیر وی آیندگان متوجه اختلاف آشکار میان الگوی آرمانی اسلام و وضعیت اسفبار حاکم بر جامعه - جامعه‌ای محصور با ستم - خویش شوند؛ جوامع غربی تهی از اسلام و ایمان سرشار از عدالت اجتماعی هستند. فقدان این موضوع در ممالک اسلامی نشانه مغایرت رفتار مسلمانان با سیره پیامبر اسلام است. وی با وام گرفتن مفهوم «جاهلیت» معتقد به بازگشت و بازتولید جاهلیت و از دیگر سو سیطره غرب بر میراث‌گرانه‌های اسلامی است (همان، ۲۰۰۵: پ: ۲۱۰-۲۱۱؛ ۲۰۰۵: ت: ۸۲).

### ۳-۵. مقولات فکری فرهنگی

#### ۳-۵-۱. تاریخ صدر اسلام؛ ابزاری برای محاجّه با مکاتب جدید غربی

۱۰ سال پیش از انقلاب ۱۹۵۲م. غزالی پنج کتاب با عناوین «الإسلام و الأوضاع الإقتصادية»، «الإسلام و المناهج الإشتراكية»، «الإسلام المفتری علیه بین الشیوعیین و الرأسمالیین»، «الإسلام و الإستبداد السیاسی»، و «من هنا نعلم» را در موضوعات اجتماعی و اقتصادی به رشته تحریر درآورد. وی در این دوره با توجه به شرایط جامعه مصر به نقد سرمایه‌داری، کمونیسم و سوسیالیسم روی آورد. وی اقتصاددان نبود، بلکه از منظر فقه و شریعت با مقوله اقتصاد مواجهه داشت، ضمن آنکه نمی‌توان از احساسات‌گرایی وی و سعی در جلب توجه جوانان مصری به اسلام در این دوره زمانی غافل بود (همان، ۲۰۰۵ الف: ۷). نمونه‌ای از این تهییج احساسات در «تأملات فی الدین و الحیاه» به چشم می‌خورد. این کتاب یک پژوهش علمی نیست، بلکه فلسفه وجودی آن بیدار ساختن مصریان است. غزالی این کتاب را در دوران تحصیل و با توجه به ابتلائات

سیاسی و اجتماعی جامعه نگاشته و کوشیده تا حقایقی از دین و تاریخ را با بیانی ادبی برای آگاهی‌بخشی و آزادی‌خواهی به جامعه خویش عرضه کند (غزالی، ۲۰۰۵ خ: ۲۰۹).

مطالب کتاب «لإسلام المفتري عليه بين الشيوعيين و الرأسماليين» طی سال‌های ۱۹۴۴-۱۹۴۹ م. یعنی سال‌های گرفتاری مصر در بحران فراگیر عرصه فکر و قلم و آزادی بیان نگاشته شده‌اند. وی در این کتاب نمایندگان رسمی و غیررسمی اسلام را به مقابله با آموزه‌های غربی فرا می‌خواند. از منظر نقد روشی بایست گفت رویکرد غزالی در این کتاب پژوهش‌مدارانه نیست. از ابتدا نوعی بیان خطابه‌گون بر فضای کتاب حاکم است. (همان، ۲۰۰۵ الف: ۱۷). سخت‌گیری‌های حکومت مانع از ظهور جریان‌های اعتراضی فکری و اجتماعی نشد. در همین بستر نگرش‌ها و مکاتب غربی از جمله پرنفوذترین آن‌ها یعنی اندیشه‌های سرمایه‌دارانه و کمونیستی به جامعه مصر سرازیر شدند.

غزالی برای رد نگاه سرمایه‌سالارانه با ارجاع به قرآن از مفاهیم قرآنی «ترف» و «مترفین» استفاده می‌کند. وی تشکیل «طبقه مترفین» را خطری برای حیات بشری می‌داند؛ زیرا مترفین دشمنان اصلاح‌گری و حق‌طلبی در هر زمان و مکانی هستند و می‌توان به نمونه‌های آنان در زمان پیامبران پیش از اسلام نیز اشاره کرد (همان، ۲۰۰۵ ت: ۳۳-۳۶). استعمارگران جوامع مسلمان نیز دریافته‌اند که برای باقی ماندن در سرزمین‌های استعمارزده نیازمند برقراری نظام طبقاتی و بقای «طبقه مترفین» به‌عنوان توجیه‌گر حضور استعمارگران هستند.

اوج مبارزات اسلام‌گرایانه غزالی هم‌زمان با گرایش روزافزون به کمونیسم بود. همفکران غزالی، خطر کمونیسم را کمتر از سرمایه‌داری نمی‌دانستند، لذا آثاری در تبیین اهداف کمونیسم و ضرورت طرد آن نگاشتند. دایره مبارزه غزالی غرب و شرق در معنای سرمایه‌سالار و کمونیستی آن بود. به باور او غرب و شرق با وجود اختلاف در خاستگاه فکری در مقابله با اسلام موضعی مشترک داشتند. وی پیش‌بینی کرده بود که با پیروزی هر یک از بلوک شرق و غرب دشمن بعدی آن‌ها اسلام خواهد بود (همان، ۲۰۰۵ ب: ۸-۱۰). از ابزارهای متفکرین اسلام‌گرا برای تفوق بر این دو نگرش، و مطرود ساختن دیدگاه‌های آنان ارجاع به تاریخ صدر اسلام بود. غزالی معتقد بود کمونیست‌های جوامع اسلامی علاوه بر میل به تغییرات ساختار اقتصادی به دنبال دگرگون‌سازی در حوزه اجتماعی و فرهنگی نیز هستند.

کمونیستهای جوامع اسلامی پیشرفت جوامع را منوط به استمداد از کمونیسم می‌دانستند. غزالی در نقد این دیدگاه توفیق انقلاب ۱۹۵۲م. را حاصل تلاش اسلام‌گرایان می‌داند، در حالی که کمونیست‌ها در اقلیت بوده و فعالیت پنهانی داشتند ولی پس از انقلاب در جریان معاهدات و روابط اقتصادی و تسلیحاتی با شوروی فعالیت‌های خود را آشکار کردند (همان، ۲۰۰۵: ب: ۴۱-۴۴). غزالی دلیل اصلی وجود فقر در جوامع اسلامی را کافر شدن بر دین و ملزومات آن می‌داند، زیرا این امر منتهی به انکار نصوص، قواعد و خاستگاه‌های دین می‌شود. از نظر وی نقش اصلی در این انحراف مربوط به افکار چپ‌گرایان (متماثل به کمونیسم) است و به تعبیری قرآنی ایشان «اصحاب المیسره» (اصحاب الشمال) هستند! (همان، ۲۰۰۵: ت: ۱۱۱-۱۱۲). غزالی گرایش به کمونیسم برای تحقق آرمان‌های اجتماعی را مسیر انحرافی می‌داند؛ زیرا خلأی در ارتباط با این آرمان در اسلام نیست. غزالی اهتمام خلفای راشدین در امور اجتماعی و عام‌المنفعه را که قرون متمادی پس از آنها نیز تداوم یافت، دلیل مدعای خویش می‌داند (همان، ۱۳۸۰: ۸۶-۸۹).

غزالی بدفهمی تعابیر و تعاریف را نیز از معضلات مهم فکری می‌داند که گریبانگیر جوامع اسلامی است. وی به نقل از «مصطفی السباعی» نویسنده کتاب «الإشتراکیه الاسلام» مطلبی را نقل می‌کند. سباعی سعی داشت با اشاره به اهتمام اسلام به عدالت اجتماعی مانع از گرایش جوانان به کمونیسم شود، ولی دست آخر خود از انتخاب عنوان «الاشتراکیه» پشیمان شده بود؛ زیرا به زعم غزالی جوانان عرب تنها کلمه «الاشتراکیه» را از این عنوان گزینش می‌کردند و دیگر اهمیتی نسبت به عقائد اسلامی نداشتند (همان، بی‌تاب: ۱۰۱).

### ۲-۳-۵. بازنمایی تاریخ صدر اسلام در برابر استعمار و شرق‌شناسی

غزالی یکی از علل اصلی فراموش کردن صدر اسلام از سوی مسلمانان را طراحی ازپیش تعیین‌شده استعمارگران می‌داند. آنان در پی جعل دینی گسسته از کرامت فردی، مقولات اجتماعی و سیاسی هستند؛ درحالی‌که دین تمامی این حقوق را تأیید می‌کند (همان، ۲۰۰۵: ت: ۶۸-۷۱). غزالی در «معرکه المصحف فی العالم الاسلامی» متأثر از محمد عبده در راه مبارزه با استعمار سیاسی و فرهنگی گرایشی «کل‌گرایانه» و «وحدت‌محور» نسبت به جامعه اسلامی دارد. از نظر وی، جهان اسلام و امت اسلامی نیازمند یک

دگردیسی است که تمامیت جهان اسلام را دربرگیرد (همان، ۲۰۰۵: ۱۰-۱۱؛ ۲۰۰۵: ۱۳۶-۱۳۷).

غزالی به گفته خود به انگیزه‌های تحریف تاریخ و فرهنگ اسلامی از سوی مستشرقین واقف نیست، ولی آنان را پیگیر کاستن از نقش اسلام در تاریخ فرهنگ انسانی معرفی می‌کند. وجه‌مشترک مستشرقین از نظر غزالی دشمنی با اسلام و وجه-تمایز آنان در شدت و ضعف این خصومت‌ورزی است (همان، ۲۰۰۵: ۸). از نظر غزالی شکست امپراتوری‌های باستانی ایران و روم از مسلمانان سبب دلگیری مستشرقین شده بود، بنابراین درصدد برآمدند تا پیروزی‌های مسلمانان را کمرنگ کنند؛ درحالی‌که فتوحات برای گسترش ایده اسلام در حضور قدرت‌های ایران و روم و به تعبیر غزالی «استعمارگران» آن دوران بود (همان، بی تا ب: ۱۷). غزالی در کنار نگاه بدبینانه به مستشرقینی مانند گولدزیهر برخی از مستشرقین را در مسیری منصفانه‌تر دسته‌بندی می‌کند. به‌عنوان مثال «آلفرد گیوم» در تعلیقه بر کتاب «محمد در مکه» اثر «موننگمری وات» به وی تاخته است؛ زیرا وات در برخی رویکردهای خود از سیاق سنتی مستشرقین دوری گزیده است. البته غزالی بعدها به این باور رسید که برخی از مستشرقین بدون تعصب به پژوهش در باب تاریخ اسلام پرداخته‌اند، ولی همچنان این نکته باقی است که این امر غالب نیست (همان، ۲۰۰۵: ۸؛ ۱۹۹۱: ۹۴).

غزالی در کتاب «دفاع عن العقیده و الشریعه ضد مطاعن المستشرقین» در پی نقد نظرات گولدزیهر در کتاب «العقیده و الشریعه» است. نکته کلیدی اثر «گولدزیهر» زمینی کردن دین اسلام است. وی دین اسلام را التقاطی از باورهای ایران باستان، روم، هند و سایر ادیان می‌داند. در دوره محمد (ص) طرح ساده‌ای از اسلام وجود داشت که به مرور زمان و طی قرن‌ها توسط دیگران فربه‌تر شد تا به شکل اخیر آن درآمد. غزالی ضمن اذعان به مطالعات فراوان گولدزیهر اشتباهات وی را قابل اغماض نمی‌داند. بنابراین با تکیه بر تاریخ اسلام، آیات و روایات به رفع شبهات وی می‌پردازد (همان، ۲۰۰۵: ۱۵-۱۸).

غزالی نظر مستشرقان در باب فقدان تسامح و تساهل در دین اسلام را نمی‌پذیرد و به زمینه‌سازی پیامبر برای همزیستی بیشتر یهودیان مدینه با مسلمانان ارجاع می‌دهد (همان، ۲۰۰۵: ج ۱۱-۱۴). غزالی در مقام نقد از گفتمانی سخن می‌گوید که فتح مصر را به عوامل غیردینی بازمی‌گرداند. در این گفتمان فتح مصر، غارتی عربی مبتنی بر فرهنگ

جاهلی و قبیله‌ای و بر پایه انگیزه اقتصادی بود. عرب‌های فاتح نیز اشغال‌گر و استعمارگر بودند؛ زیرا رفتار آنان در مصر بر پایه نابودی محاسن مصر و خوار کردن اهل آن یعنی قبطیان بود. این گفتمان برای مستند کردن سخن خود به دنبال برجسته‌سازی ماجراهایی مبنی بر سخت‌گیری بر غیر مسلمانان از سوی خلفا و والیان از صدر اسلام تاکنون است؛ غزالی ضمن نفی این موضوع، این کژاندیشی را به سبب نادیده گرفتن متون اسلامی و بسنده کردن نویسندگان این کتاب و همفکرانش به منابع مسیحی می‌داند. آنان آیات قرآن را بدون نگاه کلی به آیات و شأن نزول آنها تفسیر به رأی کرده و بر آیات ناظر بر رعایت حال اهل کتاب، چشم بسته‌اند (همان: ۳۴-۳۵-۳۸-۳۹).

## ۶. نتیجه

در این پژوهش اندیشه‌های محمد الغزالی مصری ناظر بر بازنمایی تاریخ صدر اسلام در آثار مکتوب وی مورد بررسی قرار گرفته است. سعی این پژوهش بر آن بود که بر پایه شناسایی رویکرد و مصادیق مورد استفاده غزالی چگونگی توجه وی به روزگار معاصر خود و کاربست وقایع و داده‌های مربوط به صدر اسلام در مسائل مبتلا به جامعه مصر تبیین شود. می‌توان محورهای عمده‌ای را ناظر بر اندیشه غزالی برشمرد که عناوین پاره‌های این مقاله تا حدی بر همین اساس است، بررسی قرآن به عنوان منبعی به جای مانده از صدر اسلام و بررسی انتقادی سیره پیامبر اسلام بستری برای غزالی سلفی‌گراست تا مسلمانان را به دوره آرمانی صدر اسلام دعوت کند و پاسخ همه مسائل مستحدثه و رفتاری‌های مسلمانان در دوره معاصر را در صدر اسلام بجوید. علاوه بر وجه ایجابی تحقیقاتش که در بالا اشاره شد در آثارش وجهی سلبی نیز دیده می‌شود، وی با انتقاد از استعمار و فرزند آن یعنی شرق‌شناسی علاوه بر اینکه در پی نشان دادن اغلاط و فهم نادرست مستشرقین است به شبهات وارده از سوی آنان نیز پاسخ می‌گوید تا مسلمانان را از افتادن در دام درک ناصواب از اسلام برحذر دارد. وی در ساحتی دیگر از مباحث خویش در رویکردی انتقادی به مقابله با اندیشه‌ها و مکاتب غربی همچون سرمایه‌داری، سوسیالیسم و کمونیسم که در قرن بیستم جهان اسلام و مصر را از خود متأثر ساختند پرداخته است. وی با دست‌مایه قرار دادن آیات قرآن، احادیث و روایات و تاریخ صدر اسلام از منظر یک متشرع و فقیه با این مکاتب مواجهه دارد و نمی‌توان نوع نقد وی بر این مکاتب را روشمندانانه قلمداد کرد. بلکه این احساسات‌گرایی و حس تکلیف نسبت به اسلام است که وی را در تلاشی مستمر و پیگیر برای اعتلا بخشیدن به جامعه مسلمان مصر قرار داده است.

## منابع

### قرآن کریم

- جدعان، فهمی، *الماضی فی الحاضر*، بیروت، الموسسه العربیه للدراسات و النشر، ط ۱، ۱۹۹۷.
- حورانی، ألبرت، *اندیشه عرب در عصر لیبرالیسم*، ترجمه علی شمس، تهران، نامک، ۱۳۹۳.
- الستمان، علی، *رویاریبی مسلکها و جنبشهای سیاسی در خاورمیانه عربی تا سال ۱۹۶۷ م.*، ترجمه حمید نوحی، تهران، قلم، ۱۳۵۷.
- الشرقاوی، عبدالرحمن، *محمد رسول الحرثیه*، القاهره، دارالشروق، ۱۹۹۰.
- عماره، محمد، *أضواء علی محاورات الشیخ الغزالی*، القاهره، دارالسلام للطباعه و النشر و التوزیع و الترجمه، ۲۰۱۱.
- عنایت، حمید، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، خوارزمی، ۱۳۹۲.
- الغزالی، محمد و غیره، *المرأه فی الإسلام*، قاهره، اخبار الیوم اداره الکتب و المكتبات، بی تا الف.
- الغزالی، محمد، *قنائف الحق*، دمشق، دارالقلم، ۱۹۹۱.
- \_\_\_\_\_، *ارزیابی میراث فکری مسلمانان*، ترجمه داود ناروئی، تهران، احسان، ۱۳۹۵.
- \_\_\_\_\_، *الاسلام المفتری علیه؛ بین الشیوعیین و الرأسمالیین*، جیزه، نهضه مصر، ۲۰۰۵ الف.
- \_\_\_\_\_، *الإسلام فی وجه الزحف الأحمر*، إشراف عام دالیا محمد ابراهیم، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ ب.
- \_\_\_\_\_، *الإسلام و الاستبداد السیاسی*، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ پ.
- \_\_\_\_\_، *الإسلام و الأوضاع الاقتصادیه*، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ ت.
- \_\_\_\_\_، *الإسلام و الطاقات المعطله*، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ ث.
- \_\_\_\_\_، *التعصب و التسامح بین المسیحیة و الإسلام*، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ ج.
- \_\_\_\_\_، *الجانب العاطفی من الإسلام*، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ چ.
- \_\_\_\_\_، *الدعوة الإسلامیه فی القرن الحالی*، القاهره، دار الشروق، بی تا ب.
- \_\_\_\_\_، *السنة النبویه بین اهل الفقه و اهل الحدیث*، القاهره: دارالشروق، بی تا پ.
- \_\_\_\_\_، *الطریق من هنا*، القاهره، دارالشروق، بی تا ت.
- \_\_\_\_\_، *تأملات فی الدین و الحیاه*، اشراف عام دالیا محمد ابراهیم، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ خ.
- \_\_\_\_\_، *جدد حیاتک*، اشراف عام دالیا محمد ابراهیم، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ د.
- \_\_\_\_\_، *دستور الوحده الثقافیة بین المسلمین*، القاهره، دارالشروق، بی تا ث.
- \_\_\_\_\_، *دفاع عن العقیده و الشریعه ضد مطاعن المستشرقین*، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ ذ.
- \_\_\_\_\_، *سر تأخر العرب و المسلمین*، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ ر.
- \_\_\_\_\_، *فقه السیره*، ترجمه سید محمدطاهر حسینی، تهران، احسان، ۱۳۸۸.
- \_\_\_\_\_، *کیف نفهم الإسلام*، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ ز.
- \_\_\_\_\_، *لیس من الإسلام*، القاهره، دارالشروق، بی تا ج.
- \_\_\_\_\_، *معركة المصحف فی العالم الإسلامی*، القاهره، نهضه مصر، ۲۰۰۵ م ژ.
- \_\_\_\_\_، *نقش قرآن در جهان معاصر*، ترجمه محمدصدیق خالق پناه، سندنج، هه ژار، ۱۳۸۰.
- \_\_\_\_\_، *نگرشی نو در فهم قرآن*، ترجمه داود ناروئی، تهران، احسان، ۱۳۹۳.